

## ع- اوضاع کلی اقتصادی بازرگانی پاکستان

### ۱

جمهوری اسلامی پاکستان با مساحتی در حدود ۸۰۳۹۴۳ کیلومتر مربع در جنوب آسیا واقع شده است. این کشور از شرق به هند، از غرب به افغانستان و ایران محدود می باشد. در جنوب این کشور دریای عمان قرار گرفته است و در منتهای شمال شرقی مرز کوتاهی با جمهوری خلق چین دارد. هوای پاکستان خشک و عموماً گرم است. متوسط حرارت سالانه این کشور ۲۷ درجه سانتیگراد معادل ۸۰/۶ درجه فارنهایت می باشد. در قسمتهای کوهستانی کشور زمستانهای خیلی سرد حکمفرماست. درجه حرارت در کراچی معمولاً بین ۱۳ تا ۳۴ درجه سانتیگراد در نوسان است. زبان ملی در این کشور اردو است. زبانهای پنجابی، سندھی و پشتو نیز رایج می باشد. بعلاوه زبان انگلیسی نیز در این کشور کاملاً رواج دارد. دین رسمی کشور اسلام و ۹۷ درصد مردم مسلمانند. اقلیت باقی مانده بیشتر هندو و مسیحی هستند. براساس آخرین تخمین سازمان ملل، جمعیت پاکستان (با احتساب پناهندگان افغانی) بیش از یکصد میلیون نفر است. بنا بر این از حیث جمعیت هشتمین کشور جهان می باشد. بین سالهای ۸۵ - ۱۹۸۰ جمعیت این کشور با نرخ متوسط ۳ درصد در سال رشد داشته که یکی از بالاترین نرخهای رشد جمعیت در جنوب آسیا به شمار می رود.

اقتصاد

oooooooo

سیاست اقتصادی پاکستان در چهارچوب برنامه های عمرانی

پنج ساله قرارداد دارد. سه برنامه اول که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به اجرا درآمد، اساساً "رشد و انتقال اقتصاد از شکل قدیم - ی و نسبی" را مورد تأکید قرار می‌داد. صنعتی کردن کشور هدف کلیدی سالهای دهه ۱۹۵۰ بود و طی این دوره کشاورزی مورد غفلت قرار گرفت. در دهه ۱۹۶۰ توجه بیشتری به کشاورزی شد، لیکن تأکید همچنان بر سرمایه‌گذاری صنعتی و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در این بخش بوده است.

در پایان برنامه سوم در اواخر دهه ۱۹۶۰، مشوقه‌سای سرمایه‌گذاری مصرفانه، و برای هزینه کردن بیش از حد ارزیابی شده بود. بنابراین این سیستمی مبنی بر موافقت و عدم موافقت (همراه با جریمه) سرمایه‌گذاری صنعتی بوجود آمد. به این ترتیب کوشش شد تا برنامه چهارم (۷۵ - ۱۹۷۰) با تکیه بر عدالت اجتماعی تهیه شود. تجزیه قسمت شرقی کشور (بنگلادش فعلی) و عواقب سیاسی آن از اجراء و تکمیل این برنامه جلوگیری بعمل آورد. بنابراین دوران زمامداری "ذوالفقار علی بوتو" بایک سری برنامه‌های سالانه و بدون مآل اندیشی میان مدت سپری شد. طی این دوره اقتصاد از ناحیه بحران نفتی و جهانی نیز آسیب دید. به اعتقاد کارشناسان، رشد اقتصادی طی این سالها نامنظم بود و بوروکراسی بخش عمومی بطور روزافزونی گسترش می‌یافت. بخشهای اقتصادی متعددی ملی شدند و سرمایه‌گذاری صنعتی بخش خصوصی به نصف تقلیل یافت.

پس از تغییر رژیم در سال ۱۹۷۷، برنامه‌ریزی‌های پنج ساله دوباره از سر گرفته شد. اهداف اصلی در برنامه پنجم (۱۹۸۳-۱۹۷۸) عبارت بودند از: تشبیت اوضاع اقتصادی، احیاء رشد

سریع و متعادل اقتصادی ، توسعه مناطق محروم و بهبود وضـع بهداشت ، تعلیم و تربیت و تسهیلات آبرسانی و همچنین اصلاح وضع فقیرترین بخشهای جامعه . رشد تولید واقعی ناخالص داخلی با ۷ درصد ، بازدهی واقعی کشاورزی با ۶ درصد و رشد واقعی تولید صنعتی با ۱۲ درصد مورد نظر این برنامه بود . احیای سرمایه‌گذاری صنعتی توسط بخش خصوصی و غیرملی کردن واحدهای خصوصی کوچک نیز از اهداف دیگر برنامه بوده است .

اجرای برنامه مذکور بطور کلی موفقیت‌آمیز اعلام شد ، بویژه با توجه به تأثیر شوک نفتی دوم بر پاکستان و سقوط قیمت‌های نفت در اوائل دهه ۱۹۸۰ . تولید ناخالص داخلی واقعی سالانه بطور متوسط ۶/۴ درصد رشد یافت ، درحالیکه تولیدات کشاورزی علیرغم بارندگیهای موسمی خوب بطور متوسط فقط ۴/۴ درصد رشد داشت . تورم بعد از افزایش درسالهای اولیه برنامه ، سه شدت پایین آمد . بسیاری از کنترلها و نظارنها بر امور صنعتی تحدید و یا منسوخ شد . علیرغم ناسازگاری عوامل خارجی کسری تراز پرداختهای حساب جاری تحت کنترل بود و پاکستان علاوه بر تحکیم موقعیت خود به عنوان صادرکننده خالص مواد غذایی ، در تمام محصولات غذایی بجز روغن خوراکی به خودکفائی رسید . \* هزینه و مخارج توسعه در بیشتر مناطق محروم افزایش یافت . دو عامل مهم عدم موفقیت این برنامه فقدان انگیزه سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی در صنایع اساسی و زیربنائی و دیگر عدم تخصیص اعتبار لازم به توسعه روستائی و نیازهای اجتماعی می باشد .

---

\* EIU, Country Profile: Pakistan, Afghanistan 1986-87, P. 11.

در سال ۱۹۷۹ حرکت بسوی " اقتصاد اسلامی " آغاز گردید .  
از ژوئن ۱۹۸۰ زکات از حسابهای بانکی کسر شد و از سال ۱۹۸۳ عشر  
( مالیات بر محصولات کشاورزی ) نیز بمورد اجراء گذاشته شد .  
در ژانویه ۱۹۸۱ پاکستان نظام بانکی بدون بهره را معرفی و از جولای  
سال ۱۹۸۵ کلیه بانکها موظف به اجرای آن شدند . متوسط نرخ تورم  
در سال ۱۹۸۳ ،  $7/4$  درصد بود که در سال بعد به  $7/1$  درصد و در سال  
۱۹۸۵ به  $5/3$  درصد کاهش یافت .

برنامه پنج ساله ششم ( ۱۹۸۳ - ۱۹۸۸ ) در جولای سال ۱۹۸۳  
اعلام گردید . کل هزینه پیش بینی شده در این برنامه ۴۹۵ میلیارد  
روپیه بود که  $116/5$  میلیارد روپیه آن به تأمین انرژی داخلی  
اختصاص یافته است . انتظار می رود که رشد سالانه تولید ناخالص  
داخلی در سطح برنامه گذشته ( $6/5$  درصد) باقی بماند . در این  
برنامه افزایش صادرات محصولات کشاورزی ، بهبود ارتباطات ،  
و تقویت اصلاحات فرهنگی تأکید شده است . هدفهای اصلی  
برنامه ششم عبارتند از :

آدامه رشد سریع (آنچنانکه گفته شد تولید ناخالص داخلی میبایست  
بطور متوسط  $6/5$  درصد رشد داشته باشد) افزایش هزینه های اجتماعی ،  
توسعه بیشتر بخشهای اساسی و زیربنائی روستائی بویژه برق رسانی ،  
افزایش امکانات تعلیم و تربیت ، توجه به ذخیره سازی نفت و کشف  
منابع انرژی ، افزایش صادرات ، بهبود خودکفائی کشاورزی  
و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و سطح پس اندازها . به این  
ترتیب برنامه ششم در نظر دارد کمبودها و نارسائیهای اقتصاد  
پاکستان را تا حدود زیادی برطرف نماید . از جمله این

نارسائیهها ، کمبود سرمایه‌گذاری و پساندازها ، بازدهی کم کشاورزی ، وابستگی شدید به انرژی وارداتی بویژه نفت و اختصاص بودجه بسیار کم به بهداشت و تعلیم و تربیت می‌باشند. بطور کلی برنامه‌ریزی و اجرای آن تاکنون بارها بواسطه اضطرارها و فشارهایی ، محدود شده است. علاوه بر مشکلات فوق‌الذکر ، آسیب‌پذیری و ضعف پایه‌های صادرات و سیستم مالیاتی - که مخش عظیمی از آن‌شانه خالی میکنند - تکیه بر مالیات‌بندی غیرمستقیم بویژه در رابطه با تعرفه‌های واردات و اخیراً "پرداخت اصل و فرع بدهیها نیز از جمله عوامل محدود کننده می‌باشند. در پایان سال ۱۹۸۴ دولت بمنظور مقابله با این مشکلات بتدریج هزینه‌های توسعه را کاهش داد و اعلام کرد که از جولای ۱۹۸۵ برنامه‌های سه ساله\* ( Rolling Plan ) اعلام خواهند شد که منطبق با نیازها و شرایط موجود باشند. در همین حال به نقش بازار و بخش خصوصی بهای بیشتری داده خواهد شد (قرار بود این بخش در برنامه ششم ۴۰ درصد منابع مورد نیاز برنامه را تأمین نماید یعنی دو برابر برنامه پنجم). این مسئله در سیاستهای اعلام شده قبلی نیز کاملاً مشهود بوده است. از جمله : سیاست کشاورزی ملی فوریه ۱۹۸۰ که طی آن نقش دولت در پروژه‌های اصلی سرمایه - گذاری کم اهمیت شده بود و متعاقباً " تطبیق قیمت محصولات کشاورزی با نرخهای واقعی و تشویق انگیزه‌ها مد نظر قرار گرفته بود و همچنین سیاست صنعتی ژوئن ۱۹۸۴، که در آن بر عدم کنترل و رفع محدودیت‌های مربوطه (deregulations) تاکید شده بود. از دید برخی

---

\* منظور برنامه‌های انعطاف‌پذیر میباشد.

صاحب‌نظران ، روند اسلامی کردن اقتصاد ، ضمن برخورداری از توجیه خاص خود ، با این اهداف نیز سازگار است . بدین ترتیب کسبه بانکداری بدون بهره بعنوان راهی برای گریز از ساختار غیرمؤثر و انعطاف ناپذیر نرخ بهره که از تأمین اعتبار دراز مدت جلوگیری می‌کند ، تلقی میشود . همچنین در مالیات اسلامی زکات و عشر نیز بعنوان وسیله‌ای جهت وصول مالیات از بخشهایی که غالباً " از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند تلقی می‌شود .

درآمد ملی در پاکستان بصورت ترکیبی از روشهای محاسبه ارزش افزوده (تولید) ، هزینه‌ها و درآمدها ، برآورد می‌گردد . نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۹۵۰/۵۱ تا ۱۹۸۵/۸۶ به هزینه ثابت عوامل تولید سال ۱۹۵۹/۶۰ بطور متوسط ۵/۲ درصد برآورد شده است . طی این دوره نرخ رشد اساساً " شاهد تغییرات زیر بوده است : از متوسط ۳/۱ درصد در سالهای ۱۹۵۰ ( زمانی که تولید کشاورزی راکد بود) به حداکثر ۶/۸ درصد در دهه ۱۹۶۰ ، درحالی که بین سالهای ۷۶-۱۹۷۰ ( بویژه دوران نخست‌وزیری بوتو) به ۳/۸ درصد سقوط کرده و دربقیه دوره به متوسط ۶/۸ درصد رسیده است . در سال ۱۹۸۵/۸۶ رشد تولید ناخالص داخلی ۷/۵ درصد تخمین زده شد . که بیش از نرخ متوسط معمول و اساساً " ناشی از محصول خوب‌گندم و پنبه بود که سبب شد نرخ رشد بخش کشاورزی به ۶/۷ درصد یعنی بیش از متوسط رشد سالانه طی سالهای ۸۵ - ۱۹۷۸ بالغ گردد . نرخ رشد بخش تولید صنعتی ۸/۲ درصد برآورد شده که پایین تر از پیش‌بینی دولت (۸/۷ درصد) و متوسط سالانه ۹/۵ درصدی سالهای ۸۵-۱۹۷۸ بود .

طی سالهای ۱۹۸۵-۱۹۷۷ نرخ رشد بخشهای مختلف به ترتیب چنین بوده است: بخش تولیدی (متوسط ۹/۷ درصد در سال)، برق و گاز (۹/۵ درصد) حمل و نقل و ارتباطات (۷/۷ درصد) و توزیع (۷/۵ درصد). در سال ۱۹۸۵/۸۶ به استثنای بخش تولید، که قبلاً گفته شد) بقیه بخشها نرخ رشدی معادل یا نزدیک به متوسط نرخ رشد خود در سالهای قبل داشته‌اند (برق و گاز ۹/۴ درصد، حمل و نقل و ارتباطات ۷/۶ درصد و توزیع ۷/۶ درصد). معادن گرچه هنوز فقط ۲/۴ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند، اما شاهد نرخ رشد بسیار خوب ۳۵ درصدی بود (در مقایسه با ۸/۴ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۸) که این رشد مدیون افزایش چشمگیر تولید نفت و گاز بوده است. بخش ساختمان نیز با ۹/۶ درصد رشد نسبت به ۷/۹ درصد سالهای گذشته پیشرفت مناسبی داشته است. سهم خدمات از ۴۲/۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۷۲/۷۳ به ۴۸/۲ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت. بخش صنایع نزدیک به یک پنجم تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند، اما سهم آن از ۱۶/۳ درصد در سال ۱۹۷۲/۷۳ فقط به ۱۷/۴ درصد در سال ۱۹۸۵/۸۶ رسیده است که منعکس کننده کسری میزان سرمایه‌گذاریها است. سهم بخش کشاورزی گرچه بطور مداوم از ۵۲/۲ درصد در سال ۱۹۴۹/۵۰ به ۳۵/۷ درصد در سال ۱۹۷۲/۷۳ و ۲۴/۹ درصد در سال ۱۹۸۵/۸۶ نزول کرده، لیکن هنوز عمده‌ترین سهم را در تولید ناخالص داخلی داراست.

در سال ۱۹۸۵/۸۶، ۹۴ درصد کل مخارج ملی صرف هزینه‌های مصرفی شد که ۸۶ درصد آنرا مصارف خصوصی در بر میگرفت. سرمایه‌گذاری خالص در پاکستان ابتدائاً "از پس اندازهای خصوصی ناشی می‌شوند که از اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط پاکستانیهای شاغل در خارج

از کشور فرستاده می شود. در نتیجه این جریان پول به داخل، نرخ  
 پایین پس اندازهای داخلی (که از سالهای ۱۹۷۳/۷۴ در حدود  
 ۶ درصد تولید ناخالص داخلی بوده) (بعضاً با وسیله  
 پس اندازهای ملی بیشتری جبران شده است).  
 پس اندازهای ملی (در حدود ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی) یا نرخهای  
 معادل دوبرابر پس اندازهای داخلی افزایش یافته است. در سالهای  
 دهه ۱۹۸۰ پس اندازهای عمومی بطور متوسط کمتر از ۳ درصد تولید  
 ناخالص ملی را تشکیل می داده است، با این وجود نسبت به سالهای  
 ۸۰-۱۹۷۲ که بطور متوسط ۸/۰ درصد بود، بهبودی را نشان میدهد. سهم  
 بخش عمومی از کل سرمایه گذاری خالص (که در سال ۱۹۸۵/۸۶ ۵۹/۴ درصد  
 تخمین زده شد) در سالهای اخیر کاهش یافته است (در سال ۱۹۷۶/۷۷ به  
 ۶۷/۷ درصد رسید) ولی هنوز هم از سهم بخش خصوصی بیشتر است. رشد  
 پس اندازهای ملی تکیه بر منابع مالی خارجی را نیز کاهش داده است.  
 سهم منابع خارجی در تامین سرمایه گذاری خالص در سال ۱۹۷۴/۷۵ به  
 بیشترین حد خود یعنی ۴/۶۳ درصد رسید و پس از آن به ۴/۱۹ درصد در سال  
 ۱۹۸۵/۸۶ کاهش یافت. در سال ۱۹۸۴/۸۵ آنجا که میزان ارز رسانی  
 پاکستانیهای خارج از کشور تنزل یافته بود سهم منابع خارجی به  
 ۴/۳۱ درصد افزایش یافت و این نگرانی را به دنبال داشت که سیر صعودی  
 خود را ادامه دهد.

در سال ۱۹۸۴/۸۵ کسری بودجه تا ۶/۴۰ درصد با لافرت و به مرز  
 ۳۸۳۰۰ میلیون روپیه رسید. از عوامل عمده در این رابطه کاهش درآمدها  
 در اوضاع مقررات گمرکی جدید و افزایش مخارج نظامی بود. دولت  
 بخشی از این کمبود را از طریق اعلام کسری بودجه به میزان ۱۸۳۰۰ میلیون



روپيه (سه برابر سال قبل ۵۸۰۰ روپيه) منظور نمود. درهمين سال يک سوم هزینه بودجه، رطريق فرضه های داخلی و خارجی تأمین شد. ذخائر ارزی در دسامبر ۱۹۸۵ تا ۱۳/۵۶۱ ميليون دلار کاهش يافت در حالیکه در ژوئن سال ۱۹۸۴ اين مبلغ ۲۵۰۰ ميليون دلار بود.

جدول شماره ۱۰ - سهم بخشهای مختلف در توليد ناخالص داخلی بر حسب ارقام واقعی (درصد) - سهم به هزینه ثابت عوامل توليد - ۱۹۵۹/۶۰

۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۴/۸۵	۱۹۸۳/۸۲	۱۹۸۲/۸۱	۱۹۸۱/۸۰	۱۹۸۰/۷۹	
۲۵/۷۷	۲۶	۲۵/۲۶	۲۸/۷	۲۸/۷۷	۲۹/۷۳	کشاورزی
۱۹/۹۲	۱۹/۸۰	۱۹/۸۲	۱۹/۱۳	۱۸/۹۹	۱۷/۸۲	صنایع
۴۲/۸۲	۴۵/۰۲	۴۵/۳۰	۴۴/۱۷	۴۳/۹۱	۴۳/۸۷	خدمات
۹/۴۸	۹/۱۸	۹/۶۱	۸/۶۱	۸/۳۲	۸/۵۷	سایر بخشها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کلی

شماره: ۱۰ - Country Profile of Pakistan, Afghanistan - ۱۹۸۵ (Gender: 1960)

جدول شماره ۲ - روند توليد ناخالص داخلی

۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۴/۸۵	۱۹۸۳/۸۲	۱۹۸۲/۸۱	۱۹۷۲/۷۳	کل به میلیون روپيه
۵۷۷۷۹۲	۴۶۹۱۱۱	۴۱۸۲۰۱	۳۴۲۱۶۵	۶۷۲۹۲	دفعيمهای جاری بازار
۴۷۹۰۴۹	۴۲۲۸۶۵	۳۷۲۷۲۸	۳۲۶۱۹۰	۶۱۴۱۲	به هزینه جاری عوامل توليد
۷۴۷۲۳	۷۱۲۲۶	۴۵۶۰۶	۴۲۸۳۳	۳۵۷۷۳	به هزینه ثابت عوامل توليد دفعيمهای ۱۹۵۹/۶۰
۷/۵	۸/۸	۴/۲	۶/۲	۶/۸	درصد رشد واقعی سالانه
					سرانه به روپيه
۵۲۰۴	۴۶۹۱	۴۵۱۵	۴۰۶۲	۱۰۲۲	دفعيمهای جاری بازار
۴۹۰۵	۴۶۸۵	۴۰۵۷	۳۶۶۰	۹۳۲	به هزینه جاری عوامل توليد
۷۸۶	۷۵۲	۷۱۲	۷۰۵	۵۲۲	به هزینه ثابت عوامل توليد دفعيمهای ۱۹۵۹/۶۰
۴/۲	۵/۵	۱/۳	۳/۲	۲/۶	درصد رشد واقعی سالانه

شماره: ۲ - Country Profile of Pakistan, Afghanistan - ۱۹۸۵ (Gender: 1960)

سرشماری سال ۱۹۸۱ نشان داد که ۲۷/۶ درصد کل جمعیت و ۲۰/۲ درصد جمعیت بالای ده سال جزو نیروی کار قرار دارند. این نرخ پایین نشان دهنده درصد پایین زنان بالای ده سال شاغل در پاکستان است (طبق آمار ۱۹۸۱، ۲/۱۰ درصد). بیکاری بطور رسمی ۴ درصد تخمین زده شده است. اما در حدود ربع نیروی کار در اشتغال ناقص\* قرار دارند (کمتر از ۳۵ ساعت در هفته). فقط ۲۷/۴ درصد نیروی کار شاغل حقوق بگیرند.

الگوی کلی اشتغال، ساختار اقتصاد را آشکار می کند، هماهنگی تغییرات در این الگو تغییرات ساخت اقتصادی را دنبال دارد. کشاورزی بیش از ۵۱ درصد نیروی کار را در اختیار دارد، گرچه با افزایش نیروی انسانی در بخشهای دیگر این نسبت در حال کاهش است. بین سالهای ۸۴-۱۹۷۱ بیشترین رشد اشتغال را بخشهای برق، گاز و آب (۸/۷ درصد در سال) و ساختمان (۷/۴ درصد در سال) داشته اند. بهر تقدیر نرخ رشد اشتغال در بخش تولیدات صنعتی نسبت خوبی با نرخ رشد این بخش داشته است.

از ۱۹۷۳، گروههای زیادی از پاکستانیها به کشورهای خاورمیانه مهاجرت کرده و از حاصله زاین طریق بعنوان یکی از پایه های اصلی اقتصاد درآمده بطوریکه رزق آن تا حدودی با صادرات برابری میکند. تعداد دقیق کارگران شاغل در خارج مشخص نیست: رسماً "تخمین زده اند که ۲/۵ میلیون پاکستانی (در حدود ۱۰ درصد نیروی کار کشور) در سال ۱۹۸۴ در کشورهای خاورمیانه مشغول بوده اند، در حالیکه آمار غیررسمی این رقم را تا ۴ میلیون نفر میداند. مهاجرت کارگران در سال ۱۹۸۲/۸۳ وج گرفت. ولی با کاهش قیمت های نفت و اجرای چند پروژه بزرگ ساختمانی تعداد زیادی از کارگران به کشور بازگشتند بطوریکه ارزهای ارسالی بسبب

\* Underemployment

پاکستان در این سال کاهش یافت، گرچه ترقی غیرمنتظره ارزش آن در سال ۱۹۸۵/۸۶ سیر نزولی این جریان را تغییر داد.

کاهش تعداد مهاجران در سالهای آتی بعنوان یکی از عوامل افزایش بیکاری در برنا مه پنج ساله ششم پیشبینی شده است. عوامل دیگر عبارتند از: مشارکت روزافزون زنان در نیروی کار، رشد و توسعه شهرنشینی، تغییر جهت بسوی روشهای تولیدی سرمایه برد صنعت و کشاورزی و نقش روبه کاهش بخش عمومی بعنوان جذب کننده نیروی کار. بمنظور جذب حدود ۳/۳۲ میلیون نفر که در طول سالهای این برنا مه (۸۸ - ۱۹۸۳) وارد بازار کار میشوند، لازم است بخشهای مختلف اقتصادی سالانه از رشد بالایی برخوردار شوند (مثلاً "بخش تولید ۹/۳ درصد و ساختمان ۹ درصد)، با این فرض که بخش کشاورزی نمیتواند بیش از ۴/۹ درصد رشد داشته باشد.

جدول شماره ۳ - درصد سهم بخشهای مختلف از نیروی کار

۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۴/۸۵*	۱۹۸۳/۸۴*	۱۹۷۱/۷۲	
۵۲/۴۳	۵۱/۸۰	۵۱/۹۳	۵۷/۲۷	کشاورزی، جنگلداری شیلات و سگاری
۱۳	۱۵/۰۳	۱۴/۹۲	۱۲/۹۱	صنایع و معادن
۱/۵۶	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۳۷	آب و برق و گاز
۴/۶۵	۵/۷۶	۵/۷۰	۳/۴۱	ساختمان
۱۲/۵۶	۱۱/۷۲	۱۱/۶۳	۹/۶۷	توزیع
۴/۵۵	۴/۷۴	۴/۷۲	۴/۸۳	حمل و نقل و ارتباطات
۱۱/۷۳	۱۰/۲۴	۱۰/۳۸	۱۱/۲۷	سایر خدمات
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

\* تخمینی